

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۴

بررسی سبک‌شناسانه غزلیات وحشی بافقی

(ص ۲۰۹ - ۲۲۹)

یحیی طالبیان^۲ (نویسنده مسئول)، زهرا فاتحی^۳، عباسعلی وفایی^۴،

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۷

چکیده

مولانا کمال‌الدین وحشی بافقی یکی از برجسته‌ترین سخن‌سرایان سده دهم هجری و از سرآمدان مکتب وقوع است که در قالبهای مختلف شعری، طبع آزمایی کرده و در همه این قالبها، اشعار درخوری از خود برجای گذاشته است. در این پژوهش، قصد آن است که با مروری گذرا در غزلیات وحشی نمونه‌هایی از زیبایی و حسن و ملاحظت را در شعر این شاعر و عارف بزرگ دوره صفوی باز نماییم. شعر، آمیزه‌ای از احساس و تخیل است. وحشی میکوشد که این حالت و تأثر ناشی از رویدادها را آن چنان که برای خودش تجربه شده است، به دیگران منتقل کند. او چنان واژه‌ها را در بیان این حالات به رستخیز فرا میخواند که خواننده نیز از عواطف خویش برای همراه شدن با شاعر مایه میگذارد. وحشی از شاعرانی است که در تمام گونه‌های شعر و قالبهای مرسوم طبع آزمایی کرده است و در اغلب آنها استادی و توانایی خویش را نشان داده. او از نظر موضوعی به مسأله هم‌هنگی ردیف و مفهوم شعر دقت خاصی داشته است. باید او را جزء آگاهترین شاعران نسبت به اهمیت موسیقی کناری شعر دانست. بی‌هیچ شبهه‌ای وحشی بهترین گوینده طرز نو به شمار می‌آید. غزلهای او اغلب کوتاه و معمولاً از نه بیت بیشتر نیست. بکارگیری قافیه‌های متنوع از سوی او به دلیل خلاقیت هنری وی، میزان زیباشناسی را در شعر او به سطح بالائی، ارتقا میدهد.

کلمات کلیدی: غزلیات وحشی بافقی، سبک‌شناسی، سطح زبانی، سطح ادبی، سطح فکری.

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی (Ytalebian@gmail.com)

۳- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی (r.anahit@yahoo.com)

۴- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبایی (Vafaei@atu.ac.ir)

۱- مقدمه

وحشی بافقی بی‌شک یکی از شاعران بارز و نام‌آور عهد صفوی است که اهمیت او در سبک خاص بیان اوست و یکی از شاعران مشهور وقوعی محسوب می‌شود (ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ص ۳۰)

مضمونها و ظرایف شاعرانه و بیان احساسات و عواطف و نازک خیالیهای او آنچنان با زبانی ساده و روان بیان شده که گاه آنها را با زبان محاوره بیان میکند و گاهی چنان است که گویی حرفهای روزمره اش را می‌زند و همین به شاعری او ارزش و اعتبار فراوان میدهد. او سعی میکند از استفاده بیش از حد اختیارات شاعری دوری کند و در عوض کوشش خود را برای بیان اندیشه‌ها و تفکرات عالی خود که بیشتر به همراه احساسات و عواطف گرم است بکار می‌گیرد.

او زبانی ساده و پر از صداقت را بر میگزیند و همین دلیلی است که در عهد خود به عنوان تواناترین شاعر مکتب وقوع محسوب می‌شود در اشعار وحشی، واژه‌های مشکل و ترکیبهای عربی بسیار کم دیده می‌شود؛ اما به جای آن از واژه‌ها و ترکیبهای رایج زمان خود بسیار استفاده کرده است.

وحشی همچنین به صنایع و آرایه‌های لفظی نیز توجه نمی‌کرد؛ جز آنکه برای استواری کلامش ضروری بوده باشد. گرچه وحشی در مثنویهایش بیشتر از نظامی و در غزل از غزل سرایان نام‌آور گذشته استقبال می‌کرد اما خود نیز طبعی مبتکر داشت چنانکه اکثر غزلهای او بعدها توسط شاعران دیگر مورد استقبال واقع شد. دیوان کامل او شامل ۳۹۷ غزل، ۴۱ قصیده، ۴۴ قطعه، ۱۱ ترکیب بند و یک ترجیع بند، به علاوه ۶۶ رباعی است و مثنویهای او نیز عبارتند از «فرهاد و شیرین» و «ناظر و منظور»، «خلد برین».

بی‌اغراق یکی از بهترین شعرای بنام که سخنش در میان نسلهای مختلف به سبب سادگی و روانی بیان، شیوایی و شیرینی کلام، سوز و گدازهای عاشقانه، تازگی مضمون و صمیمیت تشبیه‌های عاری از هرگونه تکلف و تصنع از قرن دهم هجری تا به امروز مقبولیت داشته است و سروده‌هایش دست به دست گشته و همواره اشعار پرشورش نقل تمام مجالس عاشقان پاکباز و دلسوختگان بوده، سخن سرای توانای دوره صفویه مولانا وحشی بافقی است. وحشی بافقی یکی از چکادهای شعر «طرز تازه» است. صاحب تذکره میخانه در مورد وحشی بافقی چنین نگاشته است: «شاعری متین و نکته‌پرداز رنگین است. اشعارش اکثر به طرز

وقوع است. الحق که این فن را «... خوب ورزیده و هرچه گفته ناخنی بر دل میزند. (مکتب وقوع در شعر فارسی، گلچین معانی: ص ۷۱)

نمونه‌های فراوانی از مکتب وقوع و واسوخت در اشعار وحشی به چشم می‌خورد و به همین علت است که اولاً زبانش را ساده، صریح و نزدیک به زبان توده مردم نموده است، ثانیاً اتفاقات و ماجراهای عشقی و عاشقی‌های حقیقی و واقعی به نظر میرسد، ثالثاً شعرش بر مبنای سبک واسوخت است یعنی شاعر از معشوقه دل‌بندش روی میگرداند و در پی معشوق و دلبر دیگر روانه می‌گردد. (سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا: ص ۱۶۴)

در این پژوهش تلاش شده است تا زیباییهای ادبی و ویژگیهای سبکی شعر وحشی بافقی بررسی شود. هدف از این پژوهش بررسی سبک شناسانه اشعار وحشی بافقی و پاسخ به این پرسشها است:

- جایگاه وحشی بافقی در ادبیات فارسی چگونه است؟

- برجستگیهای سبک شعری وحشی بافقی چیست؟

۲- پیشینه تحقیق

با وجود همه اهمیت و پایگاه این سخنور پرمایه، هنوز آنگونه که باید مورد توجه منتقدان و پژوهشگران واقع نشده است. البته پژوهشهایی درباره شعر وحشی، صورت گرفته است از جمله مقاله «بررسی موسیقی بیرونی و کناری در غزلیات وحشی» از یحیی کاردگر، سبک شناسی غزلیات وحشی از محمد امیر مشهدی و اقبال عبدی؛ همایش بزرگداشت وحشی بافقی، یزد، بافق، مهر ۱۳۹۲ که مقاله اول به موسیقی بیرونی و کناری غزل وحشی پرداخته و مقاله دوم ویژگیهای سبکی را مورد بررسی قرار داده است. همچنین مقاله آشنازدایی و برجسته سازی زبانی در غزلیات مولانا وحشی بافقی، از صدیقه سادات مقداری که در مجله پژوهشهای ادبی و بلاغی نشر یافته است. اما تاکنون تحقیق و پژوهشی مستقیم درباره بررسی ویژگیهای برجسته سبکی غزلیات وحشی بافقی صورت نگرفته است.

۳- ضرورت تحقیق

یکی از پژوهشهای مهم که میتواند در شعر و ادب فارسی راهگشا و ارزشمند باشد بررسی و تحلیل سبک شاعرانی است که در دوره های مختلف شعر فارسی جریان ساز بوده اند. در این میان وحشی بافقی در مقطعی خاص در شکل‌گیری غزل سبک هندی تأثیر عمده‌ای داشته است. وحشی به دلیل طرز تازه ای که در غزل به وجود آورد در تاریخ غزل فارسی صاحب سبک شناخته میشود ضرورت این پژوهش شناخت علمی ویژگیهای شعری این شاعر

سبک‌ساز است. این پژوهش بر اساس روش سبک‌شناسی متون دکتر شمیسا و در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۴- سطح زبانی

زبان شعری وحشی مبتنی بر لغت‌سازی و ترکیب‌سازی و تعبیرهای بدیع و بکارگرفتن مفاهیم مجازی و کنایی فراوان است چنانکه میتوان گفت او از این جهت بر شاعران هم عصرش مزیت دارد. با توجه به گستردگی سطح زبانی، از این رو غزلیات شاعر در سه سطح آوایی، لغوی و نحوی بررسی میشود؛

۴-۱- سطح آوایی (موسیقیایی)

سطح موسیقیایی و آوایی مجموعه مناسبت‌های وزنی، قافیه، ردیف و آرایه‌های لفظی است که در الفای پیام شاعر و یا تقویت عاطفه‌های او نقش موثر دارد.

۴-۱-۱- موسیقی بیرونی (وزن)

دایره تنوع اوزان غزل‌های وحشی وسیع نیست. وحشی غزل‌هایش را در شانزده وزن سروده و اوزان اندکی را نسبت به حجم غزل‌هایش انتخاب کرده است. به طور میانگین وحشی هر ۲۴ غزل خود را در یک وزن سروده است. بنابراین در غزل‌های وحشی تنوع اوزان دیده میشود وحشی تنها وزن فعلاتن فعلتن (رمل مسدس مخبون محذوف) را به کار برده است. این وزن چهارمین وزن پرکاربرد در شعر فارسی است. (وزن وقافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار: ۴۳) وحشی دو وزن (فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلن/رمل مثنی محذوف) و مفعول، فاعلات، مفاعیل، فاعلن/ مضارع مثنی اخرج مکفوف توجه زیادی نشان داده است. آن گونه که ۱۵/۴۱ درصد از غزل‌هایش در همین دو وزن سروده است. سومین وزن او (مفاعیل مفاعیل مفاعیل مفاعیل/ هزج مثنی سالم) است که پانزده درصد از غزل‌هایش را شامل میشود دربارهٔ بحرهای مورد استفاده وحشی باید گفت که بحرهای رمل مضارع و هزج سه بحر پرکاربرد و مورد پسند شاعر است. کاربرد این سه بحر در مجموع بیش از بحرهای مورد استفاده وحشی را شامل میشود با بررسی و تحلیل بحرهای مذکور مشخص میشود که چهارده غزل را به صورت مسدس و ۳۸۲ غزل را به صورت مثنی سروده است.

شانزده بحر مورد استفاده در ۳۹۶ غزل وحشی در زیر از پرکاربردترین تا کم‌کاربردترین بحر به ترتیب بیان شده است:

جدول ۱- تعداد کل هر بحر در غزلیات وحشی

ردیف	بحر	تعداد
۱	رمل مثنی محذوف	۹۲
۲	مضارع مثنی اعراب مکفوف محذوف	۷۱
۳	هزج مثنی سالم	۶۰
۴	هزج مثنی اعراب مکفوف محذوف	۴۲
۵	رمل مثنی مخبون محذوف	۳۸
۶	مجتث مثنی مخبون محذوف	۲۷
۷	رجز مثنی سالم	۱۹
۸	مجتث مثنی مخبون	۸
۹	رمل مثنی مشکول	۸
۱۰	رجز مثنی مطوی مخبون	۸
۱۱	هزج مسدس محذوف	۷
۱۲	مضارع مثنی اعراب	۵
۱۳	خفیف مسدس مخبون محذوف	۴
۱۴	منسرح مثنی مطویمکشوف	۴
۱۵	رمل مسدس مخبون محذوف	۲
۱۶	هزج مسدس اعراب مقبوض محذوف	۱
	جمع	۳۹۶

در این غزلیات شاعر وزن را انتخاب نمی‌کند بلکه از نفس موضوع آن را الهام می‌گیرد. "شاعران واقعی هرگز بر مبنای وزن از قبل تعیین شده شعر نمی‌گویند." (بررسی منشا شعر فارسی، وحیدیان کامیارس ۳۷). در مجموع وزنهای پر کاربرد و مطبوع شعر فارسی که مناسب مضامین عاشقانه است، بیش از دو سوم غزلیاتش را شامل می‌شود.

۴-۱-۲- موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

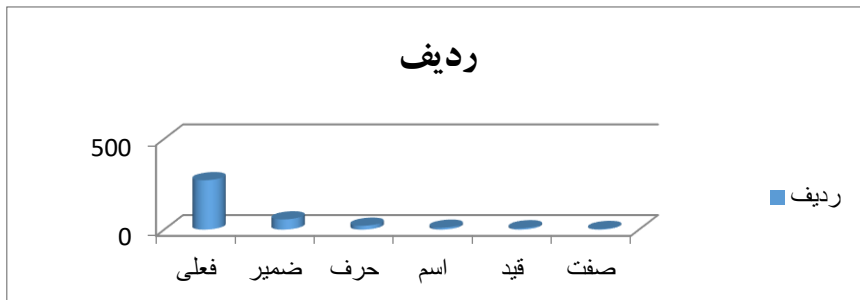
الف) قافیه: استعمال قافیه‌های ساده و به دور از تکلف از مهارت و دقت این شاعر در آفرینش سروده‌هایش خبر میدهد. کلمات قافیه در عین سادگی و دارای بیشترین اشتراکات واجی است و با وجود تفاوت، قرابت و شباهتی را در قالب آهنگ یکنواخت و موزون در ذهن

تداعی میکند که باعث گوش نوازی و غنای موسیقی نیز میشود. انتخاب قافیه و ردیف‌های پرطمطراق و محکم و استوار بیش از معنا توجه خواننده را به صورت و ظاهر آن جلب میکند. وحشی علاوه بر کاربرد الفاظ زیبا و موزون به محتوای سخن خویش توجه دارد و این به خاطر آگاهی او از علوم زمان خویش است.

ب) ردیف: وحشی از تأثیر موسیقی کناری بر غنای موسیقی شعر آگاه است به همین خاطر از ردیف‌های طولانی و بویژه فعلی بهره میگیرد تا علاوه بر ایجاد جنبش و پویایی بیشتر در شعر به اهداف معنایی و محتوایی خود نیز دست یابد. ردیف‌ها گاه ضمائر و حروف و گاه اسم، قید و صفت است که ردیف‌های فعلی بویژه افعال تام بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. "ردیف‌های فعلی به فضای شعر، پویایی و حرکت میبخشند و در مقابل ردیف‌های اسمی و حرفی سبب ایستایی شعر میشوند." (صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی ص ۴۱۲) اگرچه رعایت التزام ردیف گاهی باعث کم رنگ شدن لطافت غزل او شده با این وجود ضعف عدم خیزایی بودن ریتم و موج بودن آهنگها را همین ردیف‌های فعلی که موجب استواری قافیه و تنوع صورخیال است جبران می‌کند. به نظر دکتر شفیع کدکنی «یکی از نقش‌های ردیف، تأثیری است که در ایجاد تعبیرات خاص زبان شعر، و توسعه مجازها و استعاره‌ها دارد.» (موسیقی شعر، شفیع کدکنی: ص ۱۴۲).

موسیقی کناری در شعر وحشی بسیار غنی است و این نکته را از هماهنگی ردیف با موضوع غزل و همچنین همسانی ردیف با قافیه در یکی از واکها به روشنی میتوان دریافت. دوستان چرخ همان دشمن جانست که بود همه را دشمن جانست همانست که بود (وحشی: ۳۰۵)

۳۶۹ مورد از غزلیات او مردف است (۹۳/۱۸) و ۲۷۲ مورد از غزل‌های مردف شاعر ردیف فعلی دارد. (۷۳/۷۱) و ۲۷ غزل دیگر مقفا می‌باشند. (۶/۷۲)



شکل ۲- نمودار میله‌ای فراوانی انواع ردیف در غزلیات وحشی

۴-۱-۳- موسیقی درونی

الف) تکرار: تکرار در زیباشناسی هنر از مسایل اساسی است. کورسوی ستاره‌ها، بال زدن پرندگان به سبب تکرار و تناوب است که زیباست. صداهای غیر موسیقایی و نامنظم را که در آن تناوب و تکرار نیست باعث شکنجه روح میدانند حال آن که صدای قطرات باران که متناوباً تکرار میشود آرام بخش است. (نگاهی تازه به بدیع، شمیسا: ص ۸۳) شفییعی کدکنی نیز تکرار را از قویترین عوامل تاثیر و القای فکر میدانند. (موسیقی شعر، شفییعی کدکنی: ص ۹۲)

دوستان شرح پریشانی من گوش کنید
داستان غم پنهانی من گوش کنید
قصه بی سر و سامانی من گوش کنید
گفت وگویی من و حیرانی من گوش کنید
(وحشی: ۲۷۴)

وحشی از نظر موضوعی به مسأله هماهنگی ردیف و مفهوم شعر دقت خاصی داشته است. تکرار «گوش کنید» پایان ابیات آغازین این ترکیب بند گرفتگی خاطر و بغض در گلو نشستۀ شاعر را که هر لحظه در فشار و انفجارش قرار داده، نشان میدهد و از خواننده با عنوان «دوستان» که در ابتدای بیت قرار گرفته است، طلب همدلی و توجه به این درد را دارد. موسیقی لفظ در این کلام وحشی از آهنگ و طنین خاصی برخوردار است و نه تنها گوش به صورت طبیعی از ماهیت آوایی و موسیقایی آن لذت میبرد که چشمهای مانوس به متون ادبی نیز به التذات هنری میرسند. فایده تکرار علاوه بر ایجاد تأثیر موسیقایی و آهنگین کردن کلام، پیوند دادن کلمات کلیدی به هم است. (مشت در نمای درشت، حسینی: ص ۲۲۱) از تعداد ۲۵۱۷ بیت غزلیات وحشی، تعداد ۸۷ مورد تکرار به کاررفته است یعنی: ۳/۴٪ درصد.

ب) جناس: جناس آن است که گوینده یا نویسنده در ضمن سخن، کلمات همجنس بیاورد که در ظاهر به یک دیگر شبیه و در معنی مختلف باشند. (فنون و صناعات ادبی، همایی: ص ۴۴)

انواع جناس تام، افزایشی و اشتقاقی در غزلیات وحشی بکار رفته که بیانگر وسعت دامنه لغات و توجه شاعر به زیبایی لفظی است و باعث غنای موسیقی شعر نیز شده است.

- جناس تام:

راندی ز نظر چشم بلا دیده ما را
این چشم کجا بود ز تو دیده ما را
(وحشی: ۲)

که به جز دوازده مورد جناس تام، (۷/۸٪)، ۱۴۱ مورد از انواع جناس در غزل او وجود دارد.

- جناس افزایشی: ناز، نیاز- آزار، زار و...

- جناس اشتقاقی: کمان، کمین، غزل، غزال و..

ج) واج آرایبی: «واج آرایبی تکرار یک صامت و مصوت با بسامد زیاد در جمله است. همانگونه که تکرار یک واژه‌ای سبب میشود تا موسیقی و آهنگ شعر افزوده گردد تکرار واج هم سبب آهنگین کردن کلام و باعث افزایش موسیقی شعر میشود» (موسیقی شعر، شفيعی کدکنی: ص ۳۱۱)

علاوه بر تکرار و جناس آنچه موجب اعجاز موسیقی در غزلیات وحشی شده، صنعت همحروفی و هم صدایی کلمات و واجهاست.

سیل مژه ترسم که تن از پای در آرد کاین سست بنا طاقست سیلاب ندارد (وحشی: ۵۰)

صامت «س» ۵ بار تکرار شده که بر موسیقی کلام افزوده است.

بر مائده خلد خورانم همه خونم رشک مگسی کان ز سر خوان تو آید (همان: ۶۱)

صامت «خ» ۴ بار تکرار شده است.

د) تضاد (۹۷ مورد، ۳/۸۵٪): بین معنی دو یا چند لفظ تناسب تضاد (تناسب منفی) باشد،

یعنی کلمات از نظر معنی، عکس و ضد هم باشند. (فنون و صناعات ادبی، همایی: ص ۳۷)
مکن مکن لب ما را به شکوه باز مکن زبان کوته ما را به خود دراز مکن (همان: ۱۲۴)

ه) طرد و عکس: وحشی خود را مغلوب صنایع بدیعی نساخته اما آنها را در شعرش بکار برده است. سخن او سخنی است آراسته و گهگاه خود را به تکلف انداخته است. در مجموع بیتهای ۲۳ مورد طرد و عکس وجود دارد.

شب هلاکم میکند اندیشه غمهای روز روز فکر محنت شبهای تارم میکشد (همان: ۶۸)

۴-۲- سطح لغوی

۴-۲-۱- ترکیبات و لغات جدید

یکی از با استعدادترین و نیرومندترین زبانها در ساختن ترکیبات، زبان فارسی است. این ویژگی در سبک هندی نیز دیده میشود وحشی در دیوان خود دست به ترکیب‌سازی‌هایی زده است که نو و تازه است.

ترکیبات و گروه‌های اسمی پیچیده با ساختهای بدیع نحوی و معنایی از ویژگی‌های برجسته اشعار وحشی بافقی است. وی از این نظر کاملاً استادانه و ماهرانه عمل میکند. تأویل جملات به گروه‌های وصفی و اسمی یا به عبارتی اسمی سازی و وصفی سازی از فرایندهای زبانی است که وحشی استادانه آنها را در غزلیاتش به کار میبرد. در زمینه ترکیب سازی در غزل وحشی سه رویکرد وجود دارد:

۱) گاهی ترکیب سازی ابداعی دستوری در خدمت ایجاز است که در این بخش تحت عنوان فشرده گویی از طریق اسمی سازی و وصفی سازی افعال و توالی مشخص سازه‌های اسمی با تکرار اسم یا صفت از نظر نحوی و معنایی بررسی میشود.

از نظر افتاده یاریم مدت‌ها شده است زخم‌های تیغ استغنا جراحته‌ها شد دست
(همان: ۲۳)

۲) گاهی ترکیبات وصفی مقلوب استفاده میشود که ظاهراً برای طنین بخشیدن به موسیقی ابیات است و گرنه جنبه ایجاز ندارند که این موارد در بخش مستقلی تحت عنوان جا به جایی اجزا جمله بررسی میشوند چرا که این جا بجاییها از خصوصیات برجسته شعر وقوعی است.

۳) گاهی هم از رهگذر ترکیب، صفات مرکب و مشتق مرکب یا قیده‌های مرکب و مشتق مرکب درست میکند که در کل شعر مکتب وقوع و سبک هندی پر از این ترکیبات است که در ادامه نمونه‌های شاخص و برجسته آن ذکر میگردد.

محروم کن گردنم از طوق اگر هست از داغ وفای تو نشانی که مرا هست
(همان: ۳۵)

در غزلیات وحشی ۲۲۰ واژه و عبارت عربی به کار رفته است.

رحمی نمیکنی، مگر این محرمان تو اظهار حال ما به تو اصلاً نمیکند
(همان: ۶۱)

مبتلا، اظهار، حرمان، ثمر، مانده خون، صبوحی، شکوه، تمنا، احتراز، دقیقه، تغافل و ... همانطور که مشاهده میشود شاعر از آوردن عبارات ثقیل و مهجور عربی خودداری کرده است.

در زمینه لغت سازی و ترکیب سازی و آوردن تعبیرات تازه و اضافات بدیع نیز وحشی دست به ابداعاتی زده که در حوزه لغوی و بحث هنجارگریزی قرار میگیرد. «هنجارگریزی واژگانی یکی از شیوه‌هایی است که شاعر از طریق آن زبان خود را برجسته میسازد و بر

حسب قیاس و گریز از قواعد هنجار واژه ای جدید می‌آفریند.» (از زبان شناسی و ادبیات، صفوی، کورش: ص ۲)

الف) ابداع واژه‌های مرکب: زبان شعری وحشی مبتنی بر لغت‌سازی و ترکیب‌سازی و تعبیرهای بدیع و بکار گرفتن مفاهیم مجازی و کنایه فراوان است. لغات و ترکیبات تازه و بدیع که با پسوند و پیشوند و ترکیب سایر کلمات با همدیگر ساخته شده، در غزل او به چشم می‌خورد؛ مثال: زبان آور، رشک آور، ضعیف پرور و...

ب) ابداع واژه‌های اشتقاقی: وحشی در خلق واژه ای اشتقاقی نو طبعی توانمند دارد و از این ویژگی زبانی زبان با افزودن پسوند در ادای مقصود خود بیشترین بهره را برده است. مثال: خارستان، گلستان، شبستان، شکرستان و ...

چشم ظاهر بین بر آزار است وای ار بنگرد این گلستانها که پنهان زیر خارستان ماست (وحشی: ۱۷)

۴-۳- سطح نحوی

سطح نحوی همان سبک‌شناسی جمله‌هاست که نتیجه حاصل از بررسی جمله‌های اشعار در دیوان وحشی بدین شرح است:

۴-۳-۱- افعال

ویژگی قابل توجه افعال به کار رفته در دیوان وحشی عبارت است از وجه امری: یکی از وجوه صرف فعل است که به وسیله آن فرمانی، یا خواهشی، یا آرزویی یا منعی از اجرا یا وقوع فعل بیان میشود. صیغه های فعل امر در شعر وحشی به سه صورت به کار رفته است:

- مجرد از پیشوند فعلی: گن، زن، شو

ناگاه به باغ تو خزانای بفرستند خرسند کن از خود دل رنجیده ما را (همان: ۲)

- با پیشوند فعلی «ب»: برد، بزن، بشنو

خلاف عقل باشد می نخورده جامه آلود برد خود را کسی در شاهراه تهمت اندازد (همان: ۸۷)

- امر منفی (نهی): مکن، مزن، مرو، مخور،

وحشی می منصور به جام است مخور هان ناگاه شدی بیخود و حرفی ز زبان جست (همان: ۲۲)

انواع فعل ماضی و مضارع نیز در دیوان وحشی به کار رفته است؛ همچنین صفت فاعلی مرکب مرخم: زبان آور، رشک آور، ضعیف پرور و ...

با بلبل خوش لهجه این باغ چه لافد سوسن به زبان آوری خویش که لال است (همان: ۲۶)

در کاربرد افعال در شعر وحشی گاهی هنجارگریزی بکار رفته مانند: تلفظ «خورد» به صورت «خورد» که با کلماتی مانند «نبرد، سرد، زرد یا مرد» هم قافیه میشود. از آن جا که این صورت تلفظی تکرار شده است نمیتوان آن را فقط تنگنای قافیه‌ای محسوب کرد و لذا باید گویشی باشد.

وحشی گرفت خاطر ما از حریم دیر رفتیم تا کجاست دگر آبخورد ما (همان: ۲۹)

مثل «بر سر گشتن» یا «گرد سر گشتن» به معنی مراقبت کردن در موارد زیر:
بر سر نگشت در تب غم هیچکس مرا گرد سر تو گردم و آن رخس راندنت (همان: ۴۱)

۴-۳-۲- ضمائر

کاربرد ضمیر متصل سوم شخص با ضمیر موصولی «که» مخصوصاً در ابتدای بند جمله‌های وصفی بسیار چشمگیر و برجسته است. چرا که میزان هنجارگریزی آن از فارسی معیار بالا است و کاملاً موجب آشنایی‌زدایی میشود از آنجاکه بسامد «که اش» در غزلیات وحشی بالا میباشد و یک مورد هم «که شان» وجود دارد میتوان این ویژگی را از خصوصیات سبکی شعر وحشی بافقی محسوب نمود. به عنوان نمونه چند مورد ذکر میگردد:

دل را نوید کانتش خوی تو پاک سوخت خار و خسی کش از سر آن کوی رفته خواست (همان: ۱۸)

یکی از فرایندهای مختصرسازی کاربرد ضمیر متصل به جای ضمیر منفصل است که در شعر وی همراه با جابجایی به کار میرود و با حذف بخشی از جمله مثلاً «را» همراه شده که با آشنایزدایی ساخت مربوطه را برجسته میسازد. در اینجا به برخی از این ساختها اشاره میشود:
جانند بدین وجه که شان نیست وفایی عمرند از این رو که به سرعت گذرانند (همان: ۸۲)

نمیدانم که باز ای ابر رحمت بر که میباری که بینم در کمینگاه نظر سد ناوک اندازت (همان: ۱۳)

ضمیر منفصل «ت» به جای «تورا» همراه با مؤخرسازی به کار رفته است. ای دل بی جرم زندانی تو در بندی هنوز آرزو کردت به این حال آرزومندی هنوز (همان: ۸۹)

«ت» به جای «تورا» همراه با جابجایی.

۴-۴- سطح ادبی

بررسی این بعد از غزلیات وحشی نشان میدهد که وسعت دایره تخیل و تلاطم امواج معانی به ذهن خلاق شاعر اجازه نداده تا آنها را ساده و ابتدایی بیان کند از این رو با استفاده از تکنیکهای بیانی و فنون ادبی بویژه به کمک استعارات و تشبیهات، مضمونهای گفته شده را در قالب تعبیرات تازه خود میریزد تا صورخیال را زنده‌تر سازد. ضمن اینکه شاعر اصرار دارد از کلمات، معانی صریح آنها را اراده نکند. توجه ویژه او به صورت و فرم به اندازه ای است که او را در ردیف دو سه شاعر بزرگ فرمالیست شعر فارسی جای میدهد. ویژگیهای سبک شخصی او هر یک به نوعی در ارتباط با صورت و فرم است. (تصویرگری با شکل واج و واژه، مرتضایی و رعیت حسن آبادی، ص ۲۱۳). در اینجا به برخی از این موارد اشاره میشود:

۴-۴-۱- تصویرسازی

شعر تنها حرف و واژه نیست، بلکه تصویر و نمایشی است که براساس حروف و کلمه صورت میگیرد شاعر مانند شاعران قبل از خود حرف نمیزند بلکه نمایش میدهد. شاعر گاه صحنه ای را در چند بیت چون تابلویی نقاشی برای خواننده ترسیم میکند تا هم تصویر روشن تری از عواطف و احساساتش را ارائه کند و هم احساس مخاطب را برای درک مقصود به کاوش وادارد. وحشی علاوه بر کاربرد الفاظ زیبا، به معنا و محتوای سخن خود نیز توجه دارد. تصویر آفرینیهای زیبای او در غزل گویای همین مطلب است. او این تصاویر پویا و متحرک را در موارد زیر بکار برده است.

۴-۴-۲- تشخیص

«تشخیص یا به اصطلاح غربیان «پرسونیفیکاسیون» به معنی شخصیت بخشیدن است. بدین گونه که خصایص انسانی را به چیزی ببخشند که انسان نیست و این امر در پاره ای موارد از استعاره بالکنایه به چشم میخورد.» (طراز سخن، صادقان: ص ۱۴۱) در غزل وحشی بسیاری از اعضا یا اشیاء یا بطور کلی موجودات فاقد اراده، دارای فردیت و استقلال میگردند و به رفتار انسانی دست میزنند که شاعر با این کار جهان پویا و زنده ای را در ذهن مخاطب ترسیم مینماید. ۸۳ مورد، ۳/۲۹٪

تغافل رطل پر کرده ست وحشی ظرف میباید نگاهی جانب این کاسه مرد آزما میکن
(وحشی: ۱۲۹)

۴-۴-۳- مبالغه در تصویر

شاعر با مبالغه در تصاویر شاعرانه خواسته تا زیبایی معشوق را فراتر از حد تصور جلوه دهد و این را در قالب تشبیه تفضیل نشان داده است و این ناشی از روحیه کمال اندیشی شاعر است، چرا که معشوق را موجودی دست نیافتنی و زیباییش را آرمانی ترسیم میکند.
۴۴مورد، ۱/۷۴٪

تاب رخ او مهر جهان تاب ندارد جز زلف کسی پیش رخس تاب ندارد
(وحشی: ۵۰)

۴-۴-۴- بیان

در بین صور خیال تشبیه، استعاره و کنایه پرسامد هستند. گرایش وحشی به استعاره و کنایه اغلب به خاطر ایجاز در کلام، بیان حالات لطیف و شاعرانه، لفظ پردازی و مضمون آفرینی است.

الف) تشبیه: تشبیه از مهمترین وسایل تصویر صورخیال در شعر فارسی بوده و در اشعار وحشی بیش از صنایع دیگر به کار رفته است. تشبیه برای ساده و صمیمی بیان نمودن سوز و گداز عشق که از موضوعات اساسی غزلهای وحشی محسوب میشود مساعدت کرده است. در بیت زیر تشبیه کننده‌ها همگی مادی و محسوس بوده از طبیعت گرفته شده و سوز دل عاشق را روشن و برجسته برملا میسازد.

آمد چو باد و مضطربم کرد همچو برق وز آتش زبانه به گردون رساند و رفت
(وحشی: ۴۰)

در شعر فارسی قد معشوق به سرو مانده میشود ولی در بیت زیر وحشی ناز را به قد مانده کرده و بلندی معشوق و ناز و جلوه جذاب او را به تصویر کشیده است.

خیز و به ناز جلوه ده قامت دل نواز را چون قد خود بلندکن پایه قدر ناز را
(همان: ۱)

وحشی در تشبیهات خود به دنبال خلق افقهای معنایی و تصویر سازیهای نو و بدیع است، از این رو هر مضمون برای او از دیدگاههای مختلف عرصه تجربه و خلق جدید واقع میشود؛ از عناصر بیانی به انواع تشبیه و استعاره نظر دارد و چون شاعری درس خوانده و مطلع به علوم زمان خود بود، تشبیهاتش بر مبنای اطلاعات علمی ساخته شده است.

- محسوس به محسوس (۱۳۰ مورد، ۵/۱۶٪)

من نه آن مرغم که افکندم به دام صد بلا خود را / به یک پرواز بی هنگام کردم مبتلا خود را
(همان: ۳)

- معقول به محسوس (۲۱۰ مورد، ۸/۳۴٪)

گلشن حسنی ولی بر آه سرد ما مخند / آه اگر یابی که تأثیر هوای سرد چیست
(همان: ۲۹)

- معقول به معقول (۱۰ مورد، ۰/۳۹٪)

پند عبث بلاست بلی زیر کان عشق / بیپوده جا به گوشه صحرای نمیکند
(همان: ۶۱)

ب) استعاره: کاربرد استعاره به اشعار وحشی جلوه‌ای تازه میبخشد به گونه‌ای که او در لفظ اندک معنی بسیار می‌گنجاند به همین دلیل میتوان گفت که استعاره بسیار رساتر از تشبیه است. در استعارات وحشی عناصر ملموس و ذهنی هر دو دخیل است استعارات او در غزلیات بعید و دور از ذهن نیست چون ژرف ساخت آن مبتنی بر تشبیهات ساده است. ۹۳ مورد، ۳/۶۹٪ استعاره مصرحه. ۷۱ مورد، ۲/۸۲٪ استعاره مکنیه است. که عناصر بی روح را در قالب پدیده‌های زنده و پویا به تصویر کشیده است.

خصمت که هست اندر قفس بگذار با آه منش / کاو را اگر یاقوت شد زین شعله خاکستر کنم
(وحشی: ۱۱۹)

خوان زیبایی به نعمتهای ناز آراست حسن / نعمت این خوان گوارا باد مهمان تو را
(همان: ۳)

ج) کنایه: از دیگر عناصر بیان که در غزل وحشی به وفور یافت میشود، کنایه است که بسیاری از آنها را از زندگی عادی مردم و از اعتقادات عوام و از رسوم اهل حرفه و پیشه و امثال آن گرفته است. در اکثر موارد کنایه‌های بکار رفته جز موارد معدودی از نوع ایماست که فهم آن آسان است. در مجموع ابیات وی تعداد ۳۴۳ مورد کنایه حدود ۱۳/۶۲٪ وجود دارد

سرو جان است در راحت نه آخر سنگ و خاک است این

به استغنائات میرم من نگاهی زیر پا میکن

(وحشی: ۱۲۹)

نگاه زیر پا کردن کنایه از توجه کردن.

۴-۴-۵- معانی

مضمون اصلی غزل ذکر فراق و محرومی و کام نیابیهاست و در غزل وحشی غالباً ذکر زیبایی، معشوق، بیوفایی و سنگدلی او و قصه فراق و محنت کشیدن عاشق است. «موضوع علم معانی عمده بررسی جملات از حیث معانی و کاربردهای ثانوی است که متکلم به مقتضای حال مخاطب ایراد کرده است.» (بیان و معانی، شمیسا، سیروس: ص ۱۱۸) بدیهی است که محور غزلیات او جملات خبری در معانی ثانوی تأثر و اندوه است. که بیشترین جملات را به خود اختصاص میدهد.

آن نم که بود قطره شد و قطره جوی آب وز آب جو گذشت به توفان جنون کشید
(وحشی: ۷۷)

پس از جملات خبری، جملات امری در قالب التماس و ترغیب معشوق برای وصل از بسامد بالایی برخوردار است. ۴۲ مورد. ۱/۶۶٪

بدست آورتی جان بخش و عیش جاودانی کن حیات خضر خواهی فکر آب زندگانی کن
(وحشی: ۱۲۹)

جمله های پرسشی که بیشتر در بیان حالت عجز عاشق و استرحام است بسامد اندکی دارد. خنجر کشی که ما ز تو قطع نظر کنیم کی میبریم از تو؟ تو را در خیال چیست؟
(وحشی: ۲۱)

۴-۴-۶- بدیع معنوی

الف) تلمیح: وحشی در غزلهای خود به تلمیحات دینی و مذهبی، سامی و تاریخی، توجه بیشتری دارد. تلمیحاتی از قبیل آب بقاء، منصورحلاج، مور و سلیمان، کشتی نوح، طور عشق، چشمه حیوان، باغ ارم، دارا و اسکندر، لیلی و مجنون، که از میان تلمیحات نام برده به چشمه ی حیوان نگاه ویژه ای دارد. در مجموع ۱۱۲ مورد، ۴/۴۴٪

ما و میخانه که تمکین گدای در او شوکت شاهی اسکندر و دارا ببرد
(همان: ۴۴)

ب) اغراق: شامل ۴۲ مورد، ۱/۶۶٪؛

برقیم و بلکه تندتر از برق و رعد نیز وین طرفه تر که هیچ به محمل نمیرسیم
(وحشی: ۱۱۵)

ج) مراعات النظیر: شامل ۹۷ مورد، ۳/۸۵٪؛ آن است که در سخن اموری را بیاورند که در معنی با یکدیگر متناسب باشد، خواه تناسب آنها از جهت همجنس بودن باشد مانند (گل و

لاله) و خواه تناسب آنها از جهت مشابهت با تضمّن و ملازمت باشد مانند شمع و پروانه.
(فنون و صناعات ادبی، همایی: ص ۲۷)

در گلستانی نمیجنبی چو شاخ گل ز جا میتوان دانست کاندر پای دل خاریت هست
(وحشی: ۳۹)

د) **حسن تعلیل:** شامل ۵۱ مورد، ۰۲/۲٪؛ تعلیل به معنی بیان علت است و در اصطلاح علم بدیع، حسن تعلیل آن است که شاعر یا نویسنده برای بیان مطلبی، علتی ذوقی بیان کند که در واقع علت حقیقی آن نباشد ولی لطف و رونقی به کلام وی ببخشد. (فنون و صناعات ادبی، همایی: ص ۳۱۱)

از آن چهره شد سرخ برگ رزان را که خوردند سیلی ز باد خزانی
(وحشی: ۶)

شاعر علت زرد شدن برگ درخت رز را سیلی خوردن از باد خزان دانسته است.

ه) **حس آمیزی:** شامل ۸ مورد، ۰۳/۰٪؛ حس آمیزی بیان و تعبیری است که حاصل آن از آمیخته شدن دو حس با یکدیگر یا جانشینی آنها خبر میدهد. «در شعر بعد از مغول استفاده از آن و در شعر سبک هندی بسامد آن بالا میرود.» (شاعر آینه‌ها، شفیع کدکنی: ص ۴۱)

به زیر لب حدیث تلخ کان بیدادگر دارد بود زهری که بهر کشتن ما در شکر دارد
(وحشی: ۴۷)

و) **اسلوب معادله:** در اسلوب معادله دو مصراع از نظر نحوی مستقل هستند و هیچ حرف ربط یا شرط یا چیز دیگری آنها را به هم مرتبط نمیکند. شفیع کدکنی در این باره میگوید: «اسلوب معادله را من به عمد ساختم برای سبک‌شناسی، بعضی آن را تمثیل خوانده‌اند.» (شاعر آینه‌ها، شفیع کدکنی: ص ۶۳) این آرایه نیز در اشعار وحشی به طور کم رنگ دیده میشود.

ناتوان موری به پاپوس سلیمان آمدست ذره‌ای در سایه خورشید تابان آمدست
(وحشی: ۲۴۰)

۴-۵- سطح فکری

۴-۵-۱- مضامین عاشقانه

مهمترین درونمایه غزلیات وحشی عشق مجازیست. از تعداد ۳۹۵ غزل او در اکثر غزلیها معشوق زمینی است که برخاسته از تخیل شاعر در مضمون پردازی است. عشق و عرفان

رکن اصلی فکر وحشی بافقی است. شور عشق در سراسر شعر او جاری و ساری است. او در عالم عشق میزیسته و شعرهایش را در وزنهایی که حرارت و سوز فوق العاده‌ای دارد جاری میسازد و خواننده را از خود رها کرده به عالم التهاب و اشتعال نزدیک میسازد. شاید بتوان گفت بزرگترین هنر او طبیعی بودن شعر اوست. این شعر بیانگر عشق و اشراقی است که در نفس او اتفاق افتاده است. در این شعر با همراهان عاشق به گفت و گو مینشیند و حال پریشانی خود و بدعهدی معشوق را بازگو میکند. او بهترین نماینده شعر واسوخت است. خواهیم آن عشق که هستی ز سر ما ببرد بیخودی آید و ننگ خودی از ما ببرد (همان: ۱۶)

۴-۵-۲- شکایت از معشوق

از بررسی غزلیات او چنین برمی آید که وی فردی حساس و زود رنج بوده است شاید دلیل مفاخرات او و همچنین کاربرد الفاظ پرطمطراق در غزلیاتش بنا به اعتقاد برخی محققان از اوضاع زندگی او در کودکی و عقده حقارتی که در دوران کودکی بر او غالب بوده نشات میگیرد. بسیاری شکایت، گوناگونی تأثرات و انفعالات روحی او را نشان میدهد. در ۳۶ مورد، ۱/۴۳٪ به شکایت از معشوق پرداخته است.

زمان قهقهه کبک، خوش دراز کشید
مجال گریه خونین و چنگل باز است
(همان: ۱۶)

- عهد شکنی معشوق (۷۴ مورد، ۲/۹۴٪)

باد پیمان تو با اغیار یارب استوار
گرچه امکان درستی نیست پیمان تو را
(همان: ۳)

- ستمگری معشوق (۱۰۵ مورد، ۴/۱۷٪)

میکشد صد بار هر ساعت من بد روز را
من نمیدانم که روزی چند بارم میکشد
(همان: ۶۸)

- جور و جفا (۱۴۲ مورد، ۵/۶۴٪)

همه زهر خورده پیکان خورم و رطب شمارم
چه کنم که نخل حرمان به از این ثمر ندارد
(همان: ۵۰)

- بی وفایی معشوق (۲۱۰ مورد، ۸/۳۴٪)

رحمی نمیکنی مگر این محرمان تو
اظهار حال ما به تو اصلا نمیکنند
(همان: ۶۱)

- پریشان حالی عاشق (۲۱ مورد، ۰/۸۳٪)
چنان از طرح وضع ناپسند خود گریزانم

که گردستم دهد از خویش هم سازم جدا خود را
(همان: ۳)

- غم و اندوه در فراق یار (۱۲ مورد، ۰/۴۷٪)
پهلوی من و تکیه خاکستر گلخن

دیوانه سر بستر سنجاب ندارد
(همان: ۵۰)

- بد اخلاقی معشوق (۷۸ مورد، ۰/۳/۰۹٪)
چرا ستمگر من با کسی جفا نکند

جفای او همه کس میکشد چرا نکند
(همان: ۸۴)

۴-۵-۳- مضامین فلسفی و کلامی

- گذرا بودن عمر (۳۲ مورد، ۰/۱/۲۷٪)
جانند بدین وجه کشان نیست وفایی

عمرند از این رو که به سرعت گذرانند
(همان: ۷۹)

- باده نوشی (۴۲ مورد، ۰/۱/۶۶٪)

به دیر رو که پر است از می دو ساله پپاله
(همان: ۱۳۷)

صفای خاطر رندان ز چله خانه نیایی

- فریبکاری جهان (۶ مورد، ۰/۰/۲۳٪)

بی آب شود جوهر یاقوت محالست
(همان: ۲۶)

گیرم که جهان آتش سوزنده بگیرد

- تقابل عقل و عشق (۱۲ مورد، ۰/۰/۴۷٪)
عقل را باعشق و عاشق را به سامان دشمنیست

بیخرد وحشی که در اندیشه سامان ماست
(همان: ۱۷)

- قضا و قدر (۲ مورد، ۰/۰/۰۷٪)

خود را به تیغ قهر قضا و قدر زند
(همان: ۶۵)

وحشی کجاست منکر او تا چو دیگران

۵- نتیجه گیری

شعر، آمیزه‌ای از تخیل و احساس و محصول جان و روان شاعر است، رنگ زمان خود را دارد و آیینۀ روزگاران است. شعر بیانگر حالات و تأثرات شاعر است از عوامل بیرونی که

عارض بر او میشوند. وحشی بافقی بیشک یکی از شاعران بارز و نام آور عهد صفوی است که اهمیت او در سبک خاص بیان اوست. غزل وحشی آینه تمام نمای احساسات لطیف و انفعالات روحی شاعر است؛ اینکه چگونه با ترکیب سازیهها و تصویر آفرینیهای بدیع و بیسابقه احساسات درونی خود را به بهترین شیوه منعکس میکند، از او شاعری صاحب سبک ساخته است. غزل سرایی شیوه خاص اوست؛ از این رو زبان غزل او فراز و فرود بسیار دارد.

مضمونها و ظرایف شاعرانه و بیان احساسات و عواطف و نازک خیالیهای او آنچنان با زبانی ساده و روان بیان شده که گاه آنها را با زبان محاوره بیان میکند و گاهی چنان است که گویی حرفهای روزمره اش را میزند و همین به شاعری او ارزش و اعتبار فراوان میدهد. او سعی میکند از استفاده بیش از حد اختیارات شاعری دوری کند و در عوض کوشش خود را برای بیان اندیشهها و تفکرات عالی خود که بیشتر به همراه احساسات و عواطف گرم است به کار میگیرد. در این پژوهش غزلیات وحشی با نگاهی سبک شناسانه و از بعد زبانی، ادبی و فکری بررسی و ارزیابی شده است.

۱) جنبه زبانی: شعر او به دلیل انتخاب بسیار مناسب قافیهها و ردیفهای مناسب به لحاظ موسیقایی بسیار غنی است. در اشعار وحشی، واژههای مشکل و ترکیبهای عربی بسیار کم دیده میشود؛ اما به جای آن از واژهها و ترکیبهای رایج زمان خود بسیار استفاده کرده است. او زبانی ساده و پر از صداقت را بر میگزیند و همین دلیلی است که در عهد خود به عنوان تواناترین شاعر مکتب وقوع محسوب میشود از بحر هزج که جزء اوزان بلند، سنگین و پر استعمال شعر فارسی است زیاد استفاده کرده است. قافیهها را عموماً ساده و ردیفها را بیشتر فعلی برگزیده است؛ در ترکیب سازی چهره ای برجسته و شاخص است، معانی بسیار را در لفظ اندک گنجانده و این باعث ایجاز ابیات و برجسته سازی زبان غزل و البته دشواری فهم شعرش گشته است با انواع تکرارها، جناسها و ... که برخاسته از طبع توانمند اوست، بر موسیقی درونی شعرش افزوده است. اشعار وحشی بیشتر ردیف دار است. او در اشعار خود بهره زیادی از ردیف برده است. آن گونه که بیش از ۹۳ درصد از اشعارش مردّف است. قافیه هایش از نظر موسیقایی با ارزش هستند چون مصوت بلند در هجاهای قافیّه او بیشتر به کار رفته است. در بحث اوزان عروضی این نتیجه به دست آمده است که اوزان مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن، مفاعیلن و وزن فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن فاعلن و وزن مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن، جزو اوزان پر کاربرد دیوان وحشی است. اوزان منتخب وحشی از اوزان مطبوع و پر کاربرد شعر فارسی هستند. آنگونه که حتی یک بار از اوزان کم کاربرد و نامأنوس استفاده نکرده است. وحشی در رابطه با کاربرد اوزان دوری، توجه خاص نشان نداده است و اوزان

بر کاربرد وحشی از نظر مفهوم دارای ویژگی‌هایی است که با روحیه و خلق و خوی وحشی تناسب دارد.

۲) جنبه ادبی: آنچه در وهله اول در غزل وحشی به نظر میرسد اقتدار او در سخنوری است بطوری‌که - با کمال اطمینان از قدرت خود در سخنوری شعر را به صورت مسجع سروده است. باید گفت که در بدیع غزلیاتش مجموعه‌ای از صنایع نخبه لفظی و معنوی است چنانکه یادآور شعر شاعران بزرگ گذشته است. به لحاظ ادبی تکیه اصلی شاعر بر تشبیه است و در مراحل بعد بر استعاره و تلمیح و سپس اغراق؛ توصیفات زیبا و متعدد او بیانگر قوت تخیل شاعر است. از بین صورخیال و صنایع بدیعی آن چه بیشتر به چشم می‌خورد، تشبیه، استعاره کنایه و مجاز است حسامیزی، مراعات النظیر و تضاد هم به کار برده اما از دیگر آرایه‌هایی همچون، ارسال المثل، اسلوب معادله، تلمیح، واج آرای و حسن تعلیل هم غافل نشده است. و موارد نسبتاً زیادی از آنها را در اشعارش می‌یابیم. تلمیحات او در موضوعات مختلف دینی، قرآنی و داستانی است.

۳) جنبه فکری: شاعر بیشتر به مضامین عاشقانه پرداخته که پر رنگترین بخش و درونمایه اصلی - غزلیات او را تشکیل می‌دهد؛ هر چند غزل عاشقانه تکراری است و نکته تازه ای ندارد، در عین حال اصول کلی اخلاقی تبلیغ می‌شود همچنین غزلهایش خالی از مضامین فلسفی، کلامی و عرفانی نیست و این از دریافتهای واقع‌گرایانه و احساسی او حکایت دارد. از تحلیل اشعار وحشی بافقی چنین حاصل می‌شود که اشعار وحشی سرشار از تصویرهای زبانی است که این خصیصه را میتوان از ویژگیهای سبکی شعر او به شمار آورد. در اشعار این شاعر از میان مضامین عشق، زیبایی و بزرگداشت انسان و پیوندهای انسانی مضمون عشق و توجه به روابط انسانی مرکز معنایی شعر را در حوزه اندیشه تشکیل می‌دهد.

منابع و مأخذ

- ۱- از زبان شناسی به ادبیات، صفوی، کوروش، جلد اول نظم. تهران: سوره مهر، چاپ سوم، ۱۳۸۳
- ۲- ادوار شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، ج ۳، تهران: سخن، ۱۳۸۴
- ۳- بررسی منشأ وزن شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، چاپ سوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴
- ۴- بیان و معانی، شمیسا، سیروس، تهران: فردوس. چاپ هشتم، ۱۳۸۳
- ۵- تحول شعر فارسی، مؤتمن، زین العابدین، تهران: طهوری، ۱۳۷۰

- ۶- دیوان اشعار، وحشی بافقی، کمال الدین، مقدمه و تصحیح م. درویش، تهران: جاویدان، ۱۳۶۲
- ۷- سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس، چاپ ۲، تهران: فردوس، ۱۳۷۵
- ۸- سیر غزل در شعر فارسی، شمیسا، سیروس، چاپ ۱، تهران: فردوس، ۱۳۶۲
- ۹- شاعر آینه ها، شفیعی کدکنی، محمد رضا، تهران: آگاه، ۱۳۸۹
- ۱۰- صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، تهران: انتشارات آگاه چاپ یازدهم، ۱۳۸۶
- ۱۱- طراز سخن، محمدعلی صادقیان، یزد: دانشگاه آزاد یزد، ۱۳۷۱
- ۱۲- فنون و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، تهران: هما، ۱۳۶۸
- ۱۳- مشتی در نمای درشت، حسینی، سیدحسن، تهران: سروش، ۱۳۸۳
- ۱۴- مکتب وقوع در شعر فارسی، گلچین معانی، احمد. (۱۳۷۶). ج ۱، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ۱۵- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمد رضا، چاپ هشتم، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۴
- ۱۶- نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، چاپ ۴، تهران: فردوس، ۱۳۸۳
- ۱۷- وزن و قافیه شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی، چاپ پنجم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰
- ۱۸- تصویرگری با شکل واج و واژه، مختصه ای سبکی در قصاید خاقانی. مرتضایی، سید جواد و رعیت حسن آبادی، علیرضا، فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال ششم، شماره سوم. ۱۳۹۲، صص ۴۳۵ تا ۵۴۱